

مصاحبه سایت خبری و فرهنگی ترکمنصحرا با گردانندگان فصلنامه سؤز

سایت خبری ترکمنصحرا: چطور شد که شما به فکر چاپ يك نشریه پژوهشی افتادید و آیا ترکمنهای ایران به چنین نشریه ای نیاز دارند؟ انتشار چنین نشریه ای شاید در خود ترکمنصحرا موفق تر باشد، زیرا که منابع اصلی یعنی خود مردم و فرهنگ و ادبیات شفاهی ترکمنها در آنجاست.

سؤز: برای پاسخ به این سؤال و روشنتر شدن آن برای خوانندگان لازم می بینیم که کمی به عقب برگردیم و درمورد شکل گیری آن بلحاظ عملی توضیح کوتاهی بدهیم.

ما مدت مدیدی بود که پیرامون مسائل مختلف جامعه ترکمن در ایران صحبت و بحثهایی با افراد مختلف دمکرات ترکمن در خارج داشتیم. در اینمورد نظرات و رهیافتهای گوناگونی از سوی طرفین بحث ارائه میگردید. چارچوب مجموعه بحث و فحوص های ما دارای چندین محور بود. اولاً ما با بررسی مضامین نشریات منتشره سابق و همینطور اشکال آرایه آنان که به سیاق گذشته شکلی احساسی و تبلیغی- شعاری داشتند به این نتیجه رسیدیم که دیگر دوران اینگونه بررسی ها گذشته و آنان به هیچوجه پاسخگوی مطالبات امروز جامعه ترکمن نمی باشند، ثانیاً با در نظر داشت سطح رشد آگاهی مردم ترکمن و افزایش قابل توجه نیروهای روشنفکر در میان ترکمنها و همینطور اوضاع نوین جهانی و بویژه تغییرات متد برخورد حاملین تفکر شوونیستی در رابطه با مسئله ملی ما را بیش از پیش بدان جهت سوق داد که برای مقابله با دیدگاههای آنان و همینطور پاسخ به مطالبات امروز دیگر شیوه های برخورد گذشته کارایی ندارند و باید که اساس استدلالات و نظرات ما از بار علمی و منطقی بیشتری برخوردار باشد، علاوه بر آن ما به این نتیجه مهم دست یافتیم که امروز بر خلاف گذشته که همیشه دیگران برای ما تصمیم می گرفتند، باید از موضعی کاملاً حق بجانب این توان را کسب نماییم که پیرامون مسائل مختلف جامعه ترکمن در ایران دارای نقطه نظرات مشخص و روشن و مستقلی گردیم. لازمه این امر بگمان ما که بارها آن را در مقالات مختلف فصلنامه سؤز طرح کرده ایم، مطالعه و کسب دانش با هدف تجهیز به شناخت علمی از مفاهیم مربوط به مسئله ملی و بر آن اساس تربیت کادرهای ملی صاحب نظر و آرایه نقطه نظرات خود در این چارچوب می باشد. در واقع یکی از تلاشهای همیشگی ما نهادی کردن امر مطالعه و فرهنگ کنکاش و تحقیق و عادت دادن به بیان نظرات بر مبنای استدلالات علمی و منطقی و پرهیز از فرهنگ برخورد های احساسی در میان نیروهای روشنفکر ترکمن بوده و می باشد. از این رو ما با علم به این مسئله که کارهای پژوهشی و تحقیقی در رابطه با پدیده های مختلف مربوط به ترکمنها امر ساده ای نیست، به همه توصیه نمودیم که اگر واقعاً به کاری جدی در این عرصه اعتقاد داشته باشند باید که زحمات تولید آثاری با کیفیت و ارزشمند را بجان بخرند.

در طی این روند نشریاتی از قبیل گنگش و در ادامه ایل گون از طرف بخشی از نیروهای ترکمن انتشار یافت. ما امیدوار بودیم که این نشریات بتوانند یکسری مسائلی که تا کنون در کنج تاریخ مردم ما در خاموشی دست و پا میزدند بطور علمی مورد کنکاش قرار داده، جوانب ناگفته های تاریخمان را مورد بررسی همه جانبه قرار بدهند که متأسفانه آنطور که انتظار میرفت جامعه عمل نیافت و این نشریات هر یک بر اساس اهداف و سیاستهای معین خود در عرصه های دیگر مسائل مردم ترکمن را مورد بحث و بررسی قرار دادند.

طی این روند ما همچنان بر صحبت های خودمان مبنی بر اینکه بایستی وقایع ترکمن صحرا بعد از انقلاب بهمن ماه 57 در ایران بدور از هرگونه چارچوبها و قالبهای فکری و با توسل به حقایق رویدادهای ترکمن صحرا مورد تدقیق و بررسی مجدد و متعهدانه قرار بگیرند، ادامه دادیم. در روند این پروسه کم کم احساس کردیم که اذهان نیروهای ترکمن در اینمورد آمادگیهای اولیه از خود نشان میدهند که بر این اساس با افراد مختلفی از نیروهای ترکمن که در گذشته از مسئولیت معینی برخوردار بودند و هم با آن نیروهایی که بگمان ما می توانستند در روشنگری زوایای نظری و فکری مسائل مردم ترکمن فعالانه شرکت داشته باشند از طرق مختلف تماس حاصل کرده و پیرامون جهتگیریها و اهداف آن با آنها مشورتهایی انجام دادیم و در نهایت از این نیروها

تقاضا کردیم که برای بحث پیرامون چگونگی پیشبرد امورات عملی آن در جلسه مقدماتی که بهمین منظور ترتیب داده شده بود شرکت کنند که بخش اعظم این نیروها در اجلاس مزبور شرکت کردند، ضمن آنکه آن افرادی هم که امکان شرکت در جلسه را نیافتند آمادگی خود را جهت هر گونه همکاری با ما اعلام نمودند. البته همه بر این واقعیت که تاریخ جامعه ترکمنها و بخصوص ترکمنهای ایران از دیرباز مورد تاخت و تازهای جعل و تحریفات حکومتگران و قلم زنان تجارمنش آنان قرار گرفته و همچنان نیز این سیاست در مورد مردم ما از طرف حکام وقت پیش برده می شود آگاه هستیم. این امر تا بامروز نسلهای هر بخش از دوران تاریخی مردمان را از دستیابی به حقایق مربوط به تاریخ خود با دشواریها و گاهاً غیرممکن ساخته است. از طرفی شناخت واقعی از تاریخ و گذشته هر مردمی نه تنها حکایت از هویت و موجودیت آن مردم در تاریخ آن جامعه را میدهد، همینطور تاریخ خود آینه گذشته است که ما را در ساختن تاریخی نومجرب و مستدل میسازد. با توجه به خلا، موجود در این عرصه و با اتکا به دانش عینی مان بعنوان حاضرین و شاهدین تاریخی وقایع دوران معاصر ملتمان ضرورت بیان و انعکاس آن بیش از هر زمان احساس می شد و بر این اساس و با آگاهی بروضعیت و روحیات نیروهای ترکمن این سؤال تاریخی را پیش روی خودمان قرار دادیم که چه باید بکنیم؟ برای جوابگویی به این سؤال در نشست فوق بعد از بحث و فحشهای چندین ساعته طی پیشنهادهای حاضرین در این جلسه قرار بر این شد که ما در روند کارها نه تنها وقایع و رویدادهای بعد از انقلاب بهمن ماه 57 در ایران را مورد بررسی قرار بدهیم، همچنین تحقیق و بررسی علمی مسائل مربوط به ترکمنها در زمینه های تاریخی، ملی، فرهنگی، ادبی و اجتماعی را نیز جزو وظایف این اجتماع تحت نام “ انجمن پژوهشی ترکمن ” در دستور کار خود قرار دهیم.

اما در مورد بخش دوم سؤال شما باید اعلام بکنیم که اگر بگفته خود شما هم این اجتماع و تشکل پژوهشی در ترکمن صحرای ایران متحقق میشد و شکل می گرفت صد البته که بهتر و مؤثرتر می شد. ولی بنظر ما تشکیل آن در ترکمن صحرا با توجه به وضعیت سیاسی حاکم بر ایران و بخصوص پیشبرد سیاستهای غیردمکراتیک رژیم ج. ا. ا. در ترکمن صحرا قطعاً با مشکلات جدی روبرو شده و امکان اینکه اینگونه اجتماعات بتوانند کارهای خود را بدور از هرگونه تحریفات و مصلحتهای سیاسی به سرانجام برسانند خیلی کم است. اما پرداخت به موضوعات مربوط به مسائل تاریخی، فرهنگی، ملی و ... در خارج از کشور محدودیتهای داخل را ندارد، مضاف بر آنکه در خارج از کشور منابع و امکانات فراوانی وجود دارد و فاصله مکانی بین ترکمنصحرا و خارج از کشور مانعی در این راه و حتی همکاریهای چند جانبه داخل و خارج نمی باشد، بخصوص در عصر حاضر امکانات اینترنتی روند کارهای تحقیق را نسبت به گذشته هزار بار آسان ساخته است که اگر کسی بخواهد در این عرصه ها بدور از محصورات و فشارهای سیاسی تحقیقاتی انجام بدهد میتواند بر راحتی از این امکانات استفاده کند. البته باید تأکید گردد که اصلاً کار تحقیق و پژوهش کار آسانی نبوده و نیست و لازمه پیشبرد موفقیت آمیز این امر قبل از هر چیز منوط به خواست و اراده و اعتقاد به آرمانهای دیرینه خلق خویش و مهمتر از همه احساس مسئولیت و تعهد در قبال آن می باشد.

سایت خبری ترکمنصحرا: نشریه شما به تاریخ ترکمنهای ایران پس از انقلاب نیز پرداخته است، مبارزه ترکمنها برای حقوق ملی خود پس از سالهای 57 و 58 با شکست روبرو شد، پرداخت به دلایل شکست جنبش ملی ترکمنصحرا ذهن نخبگان ترکمن را هنوز که هنوز است به خود مشغول کرده است، نظر شما در این مورد چیست؟

سؤز: قبل از جواب به سؤال شما میخواهیم به مسئله ای اشاره بکنیم و آن این است که برخلاف نظر شما یکی از وظایف و اهداف مهم فصلنامه سؤز پرداخت به تاریخ ترکمنهای ایران میباشد که شما در سؤالتان با پسوند کلمه “ نیز ” بدان اشاره داشته اید. در اینجا میخواهیم به نکته دیگری نیز که در سؤال شما طرح و بیان شده اشاره بکنیم که شما بدرستی بر آن تأکید کرده اید و آن اینکه پرداخت به دلایل شکست جنبش ملی ترکمن صحرا در سالهای 57 و 58 ذهن نخبگان ترکمن را بخود مشغول داشته است. البته اضافه میکنیم که نه تنها این مسئله اذهان بسیاری از نیروهای ترکمن را بخود مشغول کرده، بلکه مسائل دیگری از جمله ضرورت تشکیل حزب ملی و اشکال ساختار سیاسی جامعه ایران و غیره مجموعه مسائلی هستند که بعد از رخدادهای عظیم تاریخی در سطح جهان بخصوص در کشورهای با ساختار اتنیکی متنوع در بین نیروهای ملی آن مطرح

و مورد بحثهای جدی قرار گرفته و همچنان مورد بحث این بخش از نیروها میباشد و دقیقاً این ضرورتها ما را در شکل گیری انجمن پژوهشی ترکمن و انتشار فصلنامه سوز تشویق و رهنمون ساخته است. اما در رابطه با اصل سؤال باید تأکید بکنیم که امروز پیرامون علل شکست جنبش ملی ترکمنهای ایران در سالهای 57 و 58 نظرات مختلفی از طرف نیروها و تشکلهای مختلف ترکمن بیان و اظهار می شود و هنوز جمع بندی روشنی که بتواند همه جانبه این پدیده را باتوسل به حقایق نهفته در آن و با استناد به علم تاریخ و اسناد و مدارک کافی مورد تجزیه و تحلیل مدون شده ای قرار داده و مکتوب شده باشد وجود ندارد. برای دستیابی به این امر ضرورت بیان چگونگی حوادث و رویدادهای آن دوران از طرف شاهدین و بخصوص از طرف مسئولین مربوطه و کسانی که بنوعی و بشکلی با زیر مجموعه های تشکیلاتی و سیاسی آن درگیر بوده اند بیش از هر زمانی احساس و دیده می شود و فصلنامه سوز نیز با اعتقاد به این امر با برگزاری مصاحبه ها و گفتگوهای تاریخی و سیاسی با آن دسته از نیروهای آگاه و دمکرات ترکمن در این جهت سمتگیریهای معین و مشخصی را گرفته است. البته طرح این مسئله به اینصورت دال بر این نیست که نمیتوان پیرامون آن نظری داشت ولی بنظر ما اظهار نظرها در انمورد عمدتاً در کلی ترین شکل خود بیان خواهند شد. با قبول این اصل از نظر ما دلایل شکست جنبش ملی ترکمنهای ایران در سالهای 57 و 58 در کلی ترین حالت میتوان چنین برشمرد:

- (1) رهبری جنبش ترکمن صحرا توسط سازمان فداییان خلق و سطح بسیار نازل دانش و تجربه عملی و سیاسی آن در مناطق ملی و عرصه ارضی بویژه در ترکمنصحرا.
 - (2) پیشبرد برخی سیاستهای چپ روانه و ماجراجویانه سازمان فداییان در منطقه.
 - (3) وجود افراد شدیداً متعصب مذهبی و ضد دمکرات در ارگانهای مختلف بالا و پایین حکومتی و منطقه.
 - (4) کمبود کادرهای ملی با تجربه و با سابقه سیاسی و ضعف محسوس دانش سیاسی و کار توده ای روشنفکران پیشرو ترکمن در امر رهبری و هدایت جنبش ترکمن صحرا.
 - (5) نبود یک شخصیت برجسته ملی- سیاسی و شناخته شده و مبارز با سابقه در میان ترکمنها.
 - (6) عدم پیوند جنبش ملی ترکمنها با جنبش سراسری و بویژه با دیگر جنبشهای ملی- دمکراتیک مناطق ملی کشور برای پیشبرد سیاستهای عمومی واحد و یکپارچه.
 - (7) شناخت بسیار نازل و تا حد هیچ سازمان فدایی از منطقه ترکمنصحرا، ارزیابی نادرست از تناسب میان مبارزه طبقاتی و ملی و کم بها دادن به عنصر ملی در جنبش ترکمنصحرا.
 - (8) فقدان یک تشکیلات ملی- منطقه ای منسجم مجهز به برنامه و سیاستهای روشن و مستقل در شکل حزب و یا یک سازمان سیاسی در منطقه.
 - (9) بی توجهی به عنصر روانشناسی و روحیات مردم و پرنسیبهای ملی- فرهنگی در منطقه از طرف مسئولین بومی و غیر بومی سازمان فداییان خلق.
- بنظر ما این عوامل در مجموع در شکست و رکود جنبش ملی در منطقه ترکمن صحرا نقش مهمی داشته اند. البته دوباره تأکید و اشاره میکنیم که بررسی و کنکاش در این عرصه و ارائه یک نتیجه منطقی از آن منوط به بازشناسی جوانب مختلف رویدادهای مذکور میباشد که این امر از عهده این و یا آن فرد خارج بوده و تنها از کانال همفکری و همکاریهای اکثر نیروهای فعال و متعهد ترکمن که بنوعی با مسائل آن دوران درگیر بوده اند میسر و ممکن خواهد بود.

سایت خبری ترکمنصحرا: جامعه ترکمن های خارج از کشور علیرغم کمیت خود سه نشریه چاپ میکند و تکثر فکری و سیاسی در آن موج میزند. آیا این خطری برای نیروهای محدود ترکمن نیست؟ بنظر شما راهبرد حرکتهای سیاسی ترکمنها چگونه باید باشد؟

سوز: راستش ما نمیدانیم منظور شما از خطر چه نوع خطری است؟ ولی اگر منظور شما خطر ضربه پذیری نیروهای ترکمن در خارج در مقابل تحولات تند و پیچیده سیاسی در نظم جهانی امروز باشد کاملاً با نظر شما موافقیم. ببینید ما در گذشته هم دارای نشریات مختلفی بودیم ولی بعد از مدتی هر یک بنا به دلایلی از ادامه کار باز ماندند. امروز نیز دوباره تقریباً با همان ساختار فکری و با همان شکل گذشته نشریات دیگری با اسامی دیگر شروع به کار کردند که بجز فصلنامه سوز که دارای اهداف و سیاست دیگری جدا از دو نشریه دیگر

یعنی “گنگش” و “ایل گون” می باشد بقیه دوشنریه بلحاظ ساختار فکری و اهداف دریک چارچوب می‌گنجند. ما بارها متذکر شدیم که دلیل و ضرورتی برنشر دو نشریه که شکاف در توانایی نیروها و امکانات را ببار می آورد وجود ندارد. البته بعضی از نیروها بر این نظر میباشند که انتشار نشریات متنوع در بین يك جامعه نمایی از رشد فکری آن جامعه است و این امر یعنی ازدیاد نشر نشریات مختلف در گسترش افکار و دیدگاههای مختلف كمك میکند. بنظر ما ایده مذکور در چارچوب يك قاعده حرف کاملاً درستی است اما قبل از پایبندی به این قاعده بایستی این نیروها زمینه های مادی و ذهنی آن مسئله را مورد بررسی قرار دهند که آیا در جامعه ما بخصوص در خارج چه بلحاظ فکری و نظری و چه بلحاظ نیروی آگاه و متعهد ما از آنچنان توانایی برخوردار هستیم که بخواهیم این نیروها را در جهات مختلف فکری و عملی سازماندهی بکنیم؟ آیا در بین نیروهای ترکمن در خارج اختلافات فکری تا آنجا رشد و گسترش یافته است که ضرورت ایجاد تشکلهای جداگانه از طرف آنها احساس شده و میشود؟ ویا انگیزه و عوامل دیگری بجز این مسائل در شکل گیری وضعیت کنونی در بین ما وجود داشته و دارد؟ در پاسخ به این سئوالات است که ما به نادرستی شکاف در بین نیروهای ترکمن در خارج پی میبریم. واما برگردیم به گفته خود شما که اشاره داشتید “تکثر فکری و سیاسی در آن (منظور شما نشریات) موج می زند” اگر بخواهیم صادقانه و بدور از هرگونه تعارف صحبت بکنیم این “تکثر فکری و سیاسی” را ما در بین “نیروهای محدود ترکمن” نمی بینیم و بالعکس و همانطور که در بالا هم اشاره داشتیم تشکلات جداگانه شکل گرفته در بین نیروهای ترکمن نه زاییده “تکثر فکری و سیاسی” و نه ناشی از ضرورتهای عینی و ذهنی جامعه ما در خارج است، بلکه این امر برآمد و برآیندی نادرست از مجموعه فرهنگ سیاسی نادرست و ناسالمی است که در گذشته از طریق سازمانهای سیاسی سراسری در جامعه روشنفکران ترکمن جا باز کرده است و همچنان خود را در اینجا و آنجا نشان میدهد. ببینید مثلاً يك تشکلی که شکل میگیرد و متعاقباً نشریات آنها منتشر میشود، ملاک قضاوت ناظران بر آنها نه بر اساس محتوا و عملکرد این تشکلهای و یا نشریات، بلکه روشنتر بگوییم که آنها بدون اینکه تحقیق و بررسی بکنند که چه خط و مشی و چه اهدافی را این اجتماعات و یا نشریات وابسته به آنها حمل میکنند، در حله اول نگاه میکنند و می پرسند چه کسانی این اجتماع و نشریه را اداره کرده و منتشر میکنند؟ درست مثل دوران گذشته که مثلاً اگر فردی يك کتاب سیاسی می خرید، دوستان تشکیلاتی آن بجای سؤال از محتوا و مضمون کتاب قبل از همه میپرسیدند که ناشر و نویسنده آن چه کسی و یا از چه حزب و گروهی است. مسئله دیگر در این رابطه عدم حضور فرهنگ گفتمان در بین روشنفکران ما عاملی دیگر در عدم شناخت نیروها از افکار و اهداف مشترك همدیگر است که خود زمینه ساز تفرق جمعیتها می باشد.

بنظر ما مسئله تفرق در بین روشنفکران ترکمن و وجود نشریات و اجتماعات گوناگون با نقطه نظرات سیاسی - نظری در مجموع واحد ولی با ترکیب متفاوت را میتوان از این زاویه مورد بررسی و توضیح قرار داد، و بنظر ما این روند نه تنها در جهت منافع و خواستهای مردم و جامعه ترکمن نمیباشد، بلکه جز ایجاد و گسترش تخم بدبینی و دشمنی در بین نیروهای موجود چیزی عاید آنان نمیکند. این هشدار تنها از طرف ما نیست بلکه این هشدار تاریخ زندگی بشریت در طول حیات خود است.

سایت خبری ترکمنصحرا: در طی سالهای اخیر غیر از نیروهای چپ که همواره مسائلی را در رابطه با حقوق ملی خلقها طرح کرده اند، برخی از نیروهای موسوم به راست و حتی عناصری از نیروهای سلطنت طلب نیز اشاراتی به مسائل خلقهای ایران داشته اند، علت این امر را در چه می بینید؟

سوژ: قبل از همه باید اشاره کنیم که اساساً پدیده توجه به مسائل انتیکی در جهان امروز با تغییر و تحولات دهه های اخیر در بسیاری از کشورها و بپا خیزی ملیتها و گروههای انتیکی مختلف کشورهای کثیرالملة جهت کسب حقوق سرکوب شده شان پیوندی تنگاتنگ دارد و درست همین موضوع است که دول قدرتمند غربی و آمریکا را بر آن داشته است که در سیاستهای استعمارگرانه خود این مسئله را مورد توجه قرار داده و در صورت امکان از آن بعنوان اهرمی برای دستیازی به اهداف استیلاگرانه خود بهره برداری کنند. از این رو، توجه به مسائل خلقها امروز دیگر واقعیت انکار ناپذیری است که به پدیده ای جهانی تبدیل شده و حل

معضلات اجتماعی در چنین کشورهایی بدون دور زدن و بی توجهی به مسایل ملیتهای مختلف امکان ناپذیر گشته است.

اما در مورد طرح نظرات برخی از نیروهای موسوم به راست در رابطه با مسایل ملیتهای ایران اگر منظورتان طیف سلطنت طلب باشد، باید بگوییم که مواضع آنها را هم در رابطه با مسایل خلقها بایستی در چارچوب همان گرایش جهانی امروز مورد ارزیابی قرار داد و اشاره آنان به مسئله ملی در ایران هنوز دال بر وجود اعتقاد به حل دمکراتیک مسئله در میان آنان نیست، مضافاً بر اینکه نباید فراموش کرد که در تاریخ ایران تابحال نمونه جنایاتی که در دوران پهلوی ها بطور سیستماتیک برای محو هویت، آداب و رسوم، زبان، قلب تاریخ و آسیمیلیسیون خلقها صورت گرفت هرگز دیده نشده است. عملکردهای این طیف به عنوان مدافعین و مبتکرین خرافات شوونسیتی، سرکوبگران دموکراسی و حقوق خلقهای ایران، عاملین قتل هزاران تن از بهترین فرزندان آزادیخواه ایران و کشتار دسته جمعی مردم در قیام سالهای 1357 هنوز از یادها نرفته است. متأسفانه برخی سعی دارند حافظه تاریخی ملیتهای ایران را تضعیف کنند و با شرکت در آکسیونهای این طیف با نسبت دادن خویش به آرمانهای خلقمان در برابر جنایات مخوف جمهوری اسلامی به توجیح جنایات طرفداران تمدن بزرگ و 2500 ساله دروغین بپردازند و یا برای قدرتمندان جهانی چراغ سبز نشان بدهند که عملی برخلاف آرمانهای دادخواهانه ملتمان است. در برابر این گونه حرکات، هوشیاری و مسئولیت پیروان راه خلقمان بسیار پراهمیت است تا نتوانند بدینوسیله جنبش عدالتخواهانه مان را به بیراهه بکشند. مضافاً این طیف هنوز بطور جدی با گذشته خونبار خود برخورد انتقادی شایسته ای نکرده و حقوق خلقهای ایران و پایبندی به برخی از پرنسپهای دمکراسی را از عناصر بنیادی و اعتقادی خویش اعلام نکرده است. بنا بر این وجود پاره ای افراد از این طیف با موضعی نرم و آشتی جویانه نسبت به حقوق ملت‌های ایران علیرغم مثبت بودن آن، اما هنوز نمی تواند به عنوان سیاست غالب در میان این نیروها مورد ارزیابی قرار گیرد.

سایت خبری ترکمنصحرا: آیا فکر میکنید مجموعه نیروهای ترکمن تجربه لازم سیاسی برای ایجاد یک حزب ملی را کسب کرده اند و پتانسیل ایجاد یک حزب ملی را دارا هستند؟

سوژ: تجربه و پتانسیل نیروهای سیاسی ملتها برای فرارویی و تشکیل احزاب سیاسی شان فرایندی نسبی و متفاوت است. آنچه که مهم می نماید حضور و راهیابی به این مرحله است. با توجه به این نکات، نیروهای روشنفکر ترکمن در شرایط فعلی در صحنه سیاسی چه در داخل و چه در خارج از کشور حضور فعال دارند. لیکن این حضور علیرغم تلاشهای بیدریغ هنوز به یک تشکیلات فراگیر منجر نشده است و با وجود پتانسیل لازم برای نیل به این هدف، اما متأسفانه ضعف دانش سیاسی و تجربی پیامدهای منفی بیار آورده است که آنان تا به امروز مانعی جدی در این راه بوده اند، که اهم آنان را میتوان به قرار زیر برشمرد:

1- فرهنگ خود محور بینی و سکتاریسم و تاثیر آموزشها و اختلافات سیاسی سابق .
2- کمبود کمی و کیفی کادرهای مجرب، فداکار و کناره گیری و فقدان تحرك لازم برخی از فعالین سابق در فعالیتهای سیاسی.

3- عمده کردن مسائل فرعی و انحرافی و بویژه شخصی از جانب کسانی که از آنها انتظار اینگونه حرکات غیر سیاسی و مخرب نمیرفت. البته در این رابطه تلاشهای مرموز و ناسالم برخی افراد نیز از فاکتورهای قابل حساب است که اینک هوشیاری بیشتری را می طلبد.

در کنار این پارامترها باید به نکته مهم دیگری هم اشاره کنیم و آن اینکه، ایجاد یک تشکل سیاسی قبل از همه با ضرورتها و بویژه با مطالعه و دانش سیاسی لازم در عرصه تئوری حزب سیاسی ارتباط مستقیمی دارد. میدانید که تشکیل یک حزب سیاسی و نوشتن برنامه و ردیف کردن چند بند و وظیفه کار دشواری نیست، بلکه مشکل اصلی وجود افراد مجرب و متخصص و کاردان جهت پیشبرد وظایف حزب است. در واقع، یک حزب یا سازمان سیاسی کلوب بحثهای سیاسی روشنفکرانه نیست و اگر چنین تشکلی توانایی تأثیر گذاری بر حیات اجتماعی جامعه را نداشته باشد، بهتر آنکه تشکیل نگردد. اما از این کلیات که بگذریم، افراد علاقمند به تشکیل چنین تشکلی در رابطه با ترکمنصحرا قبل از همه باید این مسئله را برای خودشان روشن کنند که اساساً چه ضرورتهایی وجود آن را می طلبد و آنان چه تعریفی از جایگاه و وظایف یک تشکل سیاسی در جامعه دارند و

آیا برای پیشبرد اهداف و وظایفی که فرا روی خود قرار داده اند از کادرهای مجرب و با سواد برخوردار هستند؟ پاسخ به این سئوالات همانطور که می بینید پیوند مستقیمی با داشتن دانش سیاسی و تجربی لازم چه در عرصه تئوری و چه شناخت از تجربیات دیگر احزاب و کشورهای درگیر با این مسئله دارد، از این روست که ما دائماً در فصلنامه سوز همگان را به مطالعه سیستماتیک و جانبدارانه و ارتقای دانش علمی و سیاسی خود در همه عرصه ها فرا میخوانیم. به يك نکته هم در این رابطه اشاره کنیم و آن اینکه، طبیعتاً يك تشکل سیاسی خارج از کشوری عمدتاً وظیفه دیگری جدا از يك تشکل سیاسی داخل کشور بعهده دارد، یعنی تشکل سیاسی خارج کشوری میتواند در این مرحله تنها وظایف جانبی يك تشکل سیاسی داخل کشور را بر عهده بگیرد و این دو میتوانند تکمیل کننده یکدیگر باشند ولی با وجود اینها، نقش اصلی را در این بین آن تشکلی ایفا میکند که هم از اوضاع اجتماعی- سیاسی منطقه و روانشناسی و روحیات و مطالبات مردم اطلاع دقیق داشته باشد و هم از امکان تأثیر گذاری سازنده بر روند زندگی توده ها برخوردار باشد.

علیرغم مسائل موجود تلاشها و امیدهایمان برای ایجاد يك تشکل سیاسی همچنان جریان دارد. این امر وظیفه تمامی کسانی است که در راه خدمت به خلق، متعهد و مصمم به پیش می روند و در غیر این صورت سرنوشت ملت ترکمن در مسیرهای پراکنده و نامطلوب می تواند سپر کند.

سایت خبری ترکمنصحرا: ایران از طرف آمریکا یکی از کشورهای «محور شرارت» نامیده شده است و شاید فردای عراق نوبت ایران هم بشود. برخی معتقدند که راستها و اقلیتهای ملی میتوانند آلترناتیو آینده ایران باشند، آیا فکر میکنید که در استراتژی آمریکا برای خاورمیانه، ملتها و ملیتهای ایرانی میتوانند در کنار «دوستان سابق» آمریکا قرار بگیرند و اصولاً نقش به اصطلاح «خارج» و یا «دمکراسی های جهان» را در آینده ایران چگونه ارزیابی میکنید؟

سوز: البته این سؤال شما را می توان بدو گونه فهمید، اول اینکه اگر منظور شما از این سؤال آن باشد که همان سناریوی افغانستان و عراق نیز می تواند در ایران تکرار گردد، باید بگوییم که اولاً شرایط ایران چه به لحاظ تجربه و سطح جنبش توده ای و چه مسائل درون حکومتی اساساً با شرایط کشورهای افغانستان و عراق تفاوت دارد و ما گمان نمی کنیم که در ایران جنبش ملی ای یافت شود که برای رسیدن به حقوق ملی خود افسار خود را در اختیار کشورهای بیگانه قرار دهد، البته وجود نقطه نظراتی را در این چارچوب در میان جنبشهای ملی کشورمان نمی توان نفی نمود ولی آنها فعلاً نقش تعیین کننده ای ندارند، آنطور که ما شاهد هستیم از این تفکر در میان اپوزیسیون ایران عمدتاً نیروهای سلطنت طلب حمایت میکنند. در این رابطه مسئله مهم دیگری که شما بدان اشاره نمودید استفاده از نیروی دمکراسی در سطح جهانی است که باید بگوییم ما حمایت این نیروها و نهادهای بین المللی و حتی کشورهای مختلف را از جنبش ملی- دمکراتیک خلقهای ایران به شرط عدم دخالت در امور داخلی کشور و قایل گردیدن حق تعیین سرنوشت برای مردم ایران نه تنها مثبت، بلکه بسیار ضروری و با اهمیت میدانیم.

ولی اگر منظور شما از سؤال فوق آن باشد که در آینده هیچ نیرویی حتی کشورهای خارجی نمی توانند به مسئله ملیتها و گروههای اقلیتی در ایران بی تفاوت باشند درست است، و ما هم اعتقاد داریم که حل معضلات اجتماعی- سیاسی و استقرار دمکراسی و تثبیت يك جامعه عادلانه و مردم سالار در ایران بدون پاسخ و برخورد درست به مسئله خلقهای کشور امکان ناپذیر بوده و باید که همه نیروهای سیاسی کشور دیر یا زود پرداخت به مسئله ملی و از آن منظر تماس با دیگر نیروها را جهت تبادل نظر و هماهنگی سیاستهای ملی خود، به یکی از اصلی ترین فعالیتهايشان بدل سازند.

این امر شامل نیروهای سلطنت طلب هم می باشد و بزعم ما این «دوستان سابق آمریکا» بعنوان يك جریان فکری اگر همچنان بر اعتقادات گذشته خود پایبند باشند، نمی توانند نه در کنار نیروهای دمکراتیک کشور و نه جنبشهای ملی معتقد به جمهوری، استقلال ایران، دمکراسی، حکومت مردم بر مردم، منشور حقوق بشر سازمان ملل و برسمیت شناختن حقوق ملیتهای ساکن ایران با حق داشتن پارلمان محلی یعنی جمهوری فدرال ایران قرار گیرند. البته جهت رفع سوء تفاهم و روشن گردیدن دیدگاه ما در رابطه با نظام فدرال مختصراً باید توضیح بدهیم که به نظر ما شرکت و چگونگی شرکت در ترکیب جمهوری فدراتیو ایران برای همه ملل ساکن ایران، داوطلبانه و آزادانه و تابع اراده این ملل خواهد بود. ما به هیچ وجه مشوق جدایی ملیتهای ایران

از چارچوب جمهوری فدراتیو ایران نیستیم، اما تصمیم‌گیری در این مورد را تنها و تنها حق خود این ملیتها میدانیم. بزعم ما، رأی قاطبه هر يك از ملیتهای ساکن ایران در يك فضای دموکراتیک و عاری از اعمال فشار دولت و یا احزاب و گروهها تعیین خواهد نمود که اراده و تصمیم تاریخی يك ملیت بر باقیماندن در ترکیب جمهوری فدراتیو ایران و یا خروج از آن قرار میگیرد. علاوه بر آن، ما اعتقاد داریم که هر يك از ملیتهای ساکن ایران این حق را دارند که حکومتهای محلی خود را تشکیل داده و از مجلس، قوانین محلی، زبان رسمی و قلمرو جغرافیایی معین خود برخوردار شوند. مضافاً بر اینکه، به اعتقاد ما تمامی ملیتهای ساکن ایران ضمن برخورداری از حقوق برابر، در کلیه تصمیمات دولت فدرال شرکت مستقیم خواهند داشت. توضیح این امر از جنبه مرز بندی و توضیح مشخصات درك ما از نظام فدراتیو در تفاوت با دیگر نیروها و جریانات مدافع این طرح ضرورت دارد، زیرا که مشاهده میگردد اخیراً بسیاری از نیروهای اپوزیسیون ایران نیز در برنامه خود به استقرار حکومتی فدراتیو در ایران اشاره نموده اند، بدون اینکه روشن نمایند چه درکی از آن داشته و یا در آن نظام چه حق و حقوقی را برای خلقهای ساکن ایران مد نظر دارند. بهر حال آرزوی ما این است که در آتیه تفاهم و همبستگی میان کلیه نیروهای دمکرات و آزادیخواه در جهت استقرار ایرانی آزاد و دموکراتیک برای تمام ساکنین آن فراهم گردد.

سایت خبری ترکمنصحرا: از شما گردانندگان فصلنامه سوز برای این مصاحبه و اطلاعاتی که در اختیار ما گذاشتید تشکر می کنیم .